

عنوان مقاله:

نقد و بررسی کتاب - Weltschmerz Pessimism in German Philosophy, 1860-1900 (جهان‌رنجی، بدبینی در فلسفه‌ی آلمان، 1860-1900)

محل انتشار:

پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، دوره 20، شماره 3 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

حمیدرضا محبوبی آرانی - استادیار گروه فلسفه و منطق دانشگاه تربیت مدرس

خلاصه مقاله:

کتاب جهان‌رنجی، نوشته‌ی فردریک سی. بایزر، پژوهشی درباره‌ی جنبش یا جریان بدبینی در فلسفه‌ی آلمان نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم است. بایزر با تعریف بدبینی به این نظریه و باور که زندگی در این جهان ارزش زیستن ندارد، شوپنهاور را نخستین کسی می‌داند که این برداشت از جهان را وارد فلسفه‌ی آلمان ساخت. بایزر در این کتاب، به بررسی مباحثه‌ی گسترده و جدی می‌پردازد که بدبینی شوپنهاور و مریدان، و البته منتقدان وی، به راه انداخت و به یک معنا برنامه‌ی کاری فلسفه را از بحث درباره‌ی منطق علم به سمت و سوی مسائل مرتبط با ارزش زندگی سوق داد. مقاله‌ی حاضر می‌کوشد تا ضمن معرفی رویکرد و هدف کلی کتاب، به تحلیل مختصر محتوای فصل‌های کتاب که بر اساس چهره‌های فلسفی سامان یافته پردازد. پس از این تحلیل مختصر، مزیت‌های کتاب در مقام کتابی در حوزه‌ی تاریخ فلسفه که به‌صورت اختصاصی به مباحثه‌ی فراموش‌شده، هرچند مهم و تأثیرگذار، می‌پردازد و نیز برخی از نقص‌هایی که، به نظر نویسندگی این مقاله، اگر رعایت می‌شد بر اعتبار کتاب می‌افزود، خاطر نشان می‌شوند.

کلمات کلیدی:

فلسفه‌ی آلمان، بدبینی، خوش‌بینی، مسأله‌ی شر، معمای زندگی و هستی، بحران هویت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1125820>

